

ضرورت دانش برنامه درسی اسلامی: پارادایمی بالقوه میان پارادایم‌های موجود^۱**The Necessity of Islamic Curriculum Knowledge: A Potential Paradigm Among Existing Paradigms**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۲۲؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۱۹

M. Aminkhandaghi (Ph.D)

F.S. Jafarniya

مقصود امین خندقی^۲فاطمه سادات جعفرنیا^۳

Abstract: The necessity of Islamic curriculum is a fundamental and neglected subject that was specifically addressed in this article. In this research, with an analytical and theoretical method, a holistic and comprehensive view of the necessity of Islamic curriculum was proposed, which, while explaining the existing ideas, opens new windows for the activists of this field and also the course. It explained the necessity of Islamic curriculum from a negative to a positive point of view. The four essentials of descriptive, consequential, critical, and creation and production were the most important types of Islamic curriculum-curriculum knowledge that were inferred from the sources. But in the meantime, theoretical necessity is the aspect that was emphasized by the authors. This necessity indicated that until the theoretical and knowledge foundations of Islamic curriculum are not formulated well, there is logically no hope for its emergence. The necessity of Islamic curriculum knowledge, theoretical treatment of the ontological, value-cognitive, anthropological, epistemological and methodological foundations of this knowledge, for the purpose of epistemology and presenting it as a paradigm among the existing paradigms of curriculum knowledge.

Keywords: necessity, Islamic curriculum, Islamization, religious science, paradigm

چکیده: ضرورت برنامه درسی اسلامی موضوعی بنیادی و مغفول است که در این مقاله اختصاصاً به آن پرداخته شده است. در این پژوهش با روش تحلیلی و نظرورزانه، نگاه شمول‌گرایانه و جامعی به ضرورت برنامه درسی اسلامی مطرح شده است که ضمن تبیین اندیشه‌های موجود، به روی فعالان این حوزه، دریچه‌های جدیدی می‌گشاید و هم خط سیر ضرورت برنامه درسی اسلامی را از نگاهی سلبی تا نگاهی ایجابی تبیین می‌کند. ضرورت‌های چهارگانه توصیفی، پیامدی، انتقادی، و خلق و تولید مهمترین انواع ضرورت دانش برنامه درسی اسلامی هستند که از دل منابع استقراء شدند. اما در این میان ضرورت نظریه‌ای، آن وجهی است که مورد تاکید نویسندگان می‌باشد. این ضرورت بیانگر این است که تا شالوده‌های نظری و دانشی درباره برنامه درسی اسلامی به خوبی تدوین نشود، منطقاً آمیدی به ظهور آن وجود ندارد. ضرورت دانش برنامه درسی اسلامی، پرداخت تئوریک به مبانی هستی‌شناختی، ارزش‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی این دانش، به منظور معرفی و ارائه آن بعنوان پارادایمی در میان پارادایم‌های موجود دانش برنامه درسی است.

کلیدواژه‌ها: ضرورت، برنامه درسی اسلامی، اسلامی‌سازی، علم دینی، پارادایم

۱. مطالعه حاضر مستخرج از رساله دکتری دانشگاه فردوسی مشهد بوده و تحت حمایت مالی «پژوهشکده مطالعات اسلامی علوم انسانی» دانشگاه فردوسی مشهد انجام شده است.

۲. دانشیار گروه مطالعات برنامه درسی و آموزش، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

aminkhandaghi@um.ac.ir

f.s.jafarnia@gmail.com

۳. دانشجوی دکترای رشته مطالعات برنامه درسی دانشگاه فردوسی مشهد

چنددهه از طرح مبحث نگاه‌های اسلامی به حوزه‌های علوم مختلف در سرتاسر جهان می‌گذرد. برنامه درسی هم از این جریان جدا نبوده و اندیشه‌های برنامه درسی اسلامی در ایران و سرتاسر جهان، گفتمان جدیدی را شکل داده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که صاحب‌نظران گوناگونی (از جمله ادبایو^۱، ۲۰۰۵؛ الادوسو^۲، ۲۰۱۲؛ اسدیان، ۱۳۹۰؛ امین^۳ و حنیف، ۲۰۱۱؛ امین‌خندقی و مهدوی‌خواه، ۱۳۹۶؛ انور حسن^۴، ۱۹۸۷؛ ایهدینما^۵، ۲۰۰۴؛ قاسم‌پور دهاقانی و نصراصفهان‌ی، ۱۳۹۰؛ روفاعی^۶، ۲۰۱۶؛ زهدی^۷، ۲۰۰۶؛ سلیمان^۸، ۲۰۱۳؛ علم الهدی، ۱۳۸۱؛ ملکی، ۱۳۸۵؛ نوزری، ۱۳۹۱؛ نورینی و لانگلانگ^۹، ۲۰۰۸؛ ویسی و فتحی واجارگاه، ۱۳۸۷؛ یاکوب^{۱۰}، ۲۰۰۸؛ نقره‌ای و امین‌خندقی، ۱۴۰۲ و...) به «برنامه درسی اسلامی^{۱۱}» پرداخته‌اند.

هر کدام از صاحب‌نظرانی که به موضوع برنامه درسی اسلامی پرداخته‌اند، از زاویه‌ای با آن مواجه شده‌اند؛ به عبارت دیگر، برنامه درسی اسلامی موضوعی است که ابعاد مختلفی دارد. مثلاً تعریف و چيستی برنامه درسی اسلامی، طراحی و تدوین برنامه درسی اسلامی، امکان برنامه درسی اسلامی و غیره. برخی برنامه درسی دینی را وابسته به جهان‌بینی توحیدی و اسلامی دانسته که در چارچوب آن همه پدیده‌ها تحت تأثیر خداوند به عنوان حقیقت کامل و تام وجود قرار می‌گیرد (نجفی و دیگران، ۱۴۰۰: ۸۸). اما یکی از موضوعات مهم در این قلمرو، ضرورت برنامه درسی اسلامی است. شاید در آثار گوناگون، در قالب مقدمات بحث، جسته و گریخته مطالبی در این زمینه مطرح شده باشد؛ اما طرح این موضوع به شکلی مستقل و جامع همچنان از نظرها دور مانده است.

-
1. Adebayo
 2. Oladosu
 3. Amin
 4. Anwar Hassan
 5. Ihedinma
 6. Rufai
 7. Zuhdi
 8. Sulayman
 9. Noraini & Langgulung
 10. Yaacob
 11. Islamic Curriculum

ضرورت دانش برنامه درسی اسلامی: پارادایمی بالقوه میان پارادایم‌های موجود یکی از موضوعاتی که طرح آن در تبیین این مسأله حائز اهمیت است، معانی مختلف درباره مفهوم «برنامه درسی» است. پیش از آنکه بخواهیم وارد موضوع ضرورت برنامه درسی شویم، باید معلوم شود این واژه در چه معنایی مدنظر است. متخصصان در حوزه برنامه درسی تعاریف گوناگونی از آن ارائه کرده‌اند. در میان این تعاریف پراکنده و گسترده، برخی از افراد مانند بوشامپ^۱ به دسته‌بندی تعاریف از برنامه درسی اقدام کرده‌اند. وی معتقد است که برنامه درسی هر چند گاه در لفظی یکسان به کار می‌رود، از نظر معنایی می‌تواند مفاهیم متفاوتی دربرداشته باشد و سه تعریف را از برنامه درسی مطرح می‌نماید: برنامه درسی به عنوان سند مکتوب^۲ که در این معنا، برنامه درسی در حکم سندی است که حاوی مجموعه تصمیم‌هایی است که در خصوص برنامه، پیش از آنکه اجرا شود، گرفته می‌شود. برنامه درسی به عنوان نظام یا مهندسی برنامه درسی^۳ که در این معنا، برنامه درسی مشتمل بر مجموعه انسانی و ساختار سازمانی در نظام آموزشی است که به برنامه درسی در ابعاد تدوین، اجرا و ارزشیابی می‌پردازد. برنامه درسی به عنوان حوزه مطالعاتی^۴ که در این معنا، رشته برنامه درسی ابعاد معرفتی گوناگونی نظیر طراحی برنامه درسی، مهندسی برنامه درسی، ارزشیابی برنامه درسی، نظریه برنامه درسی و غیره را در بر می‌گیرد و مانند هر قلمرو علمی دیگری دارای ابعاد، موضوعات و وسعت مفهومی خاصی است که باید در صدد تعیین حدود و ثغور موضوعی و مفهومی این رشته و تعیین وجوه تمایز آن از سایر رشته‌های علمی بود (مهرمحمدی، ۱۳۸۹: ۱۴).

از زاویه‌ای دیگر، سه معنای مطرح‌شده توسط بوشامپ را می‌توان در دو دسته تفکیک کرد: برنامه درسی در مقام عمل (برنامه درسی به مثابه سند مکتوب و نظام) و برنامه درسی در مقام نظر (برنامه درسی به مثابه حوزه مطالعاتی). در جدول ۱ تمایزات این دو نوع مواجهه با برنامه درسی نمایش داده شده است.

-
1. Beauchamp
 2. Curriculum As A Document
 3. Curriculum Engineering
 4. Curriculum As A Field Of Study



جدول ۱. تمایزات برنامه درسی در مقام نظر و عمل

مؤلفه	برنامه درسی در مقام عمل	برنامه درسی در مقام نظر
مواجهه نوع مواجهه	سند مکتوب و نظام عمل طراحی، تدوین و ... یا برنامه‌ریزی برای عمل	حوزه مطالعاتی نظریه‌پردازی در قلمروهای مختلف
به مثابه معطوف به	مبتنی بر تبیین نظری و مؤخر از آن برنامه درسی یا نظام	تقدم تبیین نظری و نظریه‌پردازی بر عمل بسترسازی تئوریک و تعیین هویت نظری
از حیث تقدم و تاخر خروجی نوع مواجهه		

در موضوع ضرورت برنامه درسی اسلامی باید به این نکته مهم دقت داشت که صاحب‌نظران مختلف، تعاریف متفاوتی از برنامه درسی داشته‌اند. بررسی آثار صاحب‌نظران مختلف در حوزه برنامه درسی اسلامی - که نام آنها در ابتدای بیان مساله مطرح شد - نشان می‌دهد که غالب آنها به برنامه درسی در مقام عمل که در طبقه‌بندی پوشامپ شامل برنامه درسی به مثابه سند مکتوب و نظام می‌باشد، گرایش دارند و به ندرت مشاهده می‌شود که برنامه درسی در مقام نظر آن مورد توجه آنان باشد. چون ارتباط وثیقی میان نوع نگاه به برنامه درسی و تلقی از ضرورت برنامه درسی اسلامی وجود دارد، این مسأله اهمیت دوچندان می‌یابد. در این پژوهش، ضرورت برنامه درسی اسلامی هم در مقام عمل و نظر مورد توجه است. اما نگاه‌های عملی به برنامه درسی به جهت کثرت حضورشان در آثار صاحب‌نظران این حوزه بیشتر مورد نظر بوده و مواجهه نظری از حیث معرفی و دربرداشتن پیشنهاد نگارندگان مطرح شده است.

در دل دانش برنامه درسی پارادایم‌های گوناگونی وجود دارد. پارادایم فنی-وفادارانه، پارادایم فکورهانه-انتقادی و پارادایم انتقادی-برآمدنی یک نوع از تقسیم‌بندی پارادایم‌های موجود این قلمرو است (زرقانی، امین‌خندقی، شعبانی‌ورکی، موسی‌پور، ۱۳۹۵: ۴۶). امروزه، در فضای علمی کشور ما و نیز در سایر جوامع، گرفتن گوی سبقت از آن نظریات و پارادایم‌هایی است که بتوانند جامعه علمی را بهتر اقناع کنند و اگر بناست برنامه درسی اسلامی، به عنوان منظری جدید در کنار پارادایم‌های موجود برنامه درسی به جهان علمی ارائه شود، پرداختن به ضرورت این

ضرورت دانش برنامه درسی اسلامی: پارادایمی بالقوه میان پارادایم‌های موجود موضوع دارای اهمیت و اولویت فراوان است. به عبارتی، پاسخ‌های شفاف و مستدل به این پرسش که: پرداختن به برنامه درسی اسلامی از چه ضرورت‌هایی برخوردار است؟ آثار مثبت فراوانی دارد؛ از جمله اینکه اضلاع و ابعاد این موضوع را حتی برای دغدغه‌مندان به آن مشخص می‌کند و علاوه بر این، بسیاری از استادان و پژوهشگرانی که این امر را ضروری نمی‌دانند، به اهمیت آن پی می‌برند. اما متأسفانه، آثار موجود در این حوزه به طرح اساسی این مسأله، آن هم از منظری جامع و شمول‌گرایانه نپرداخته‌اند. بر این اساس، پژوهش پیش‌رو اختصاصاً به مبحث ضرورت برنامه درسی اسلامی ورودی عمیق و همه‌جانبه دارد تا به چارچوبی یکپارچه دست یابد.

روش انجام پژوهش

در این پژوهش تحلیلی و نظرورزانه، گام‌های مختلفی برداشته شده است. در گام اول، جست و جوی گسترده، دامنه‌دار و دقیق منابع در دستور کار قرار دارد. بدین معنا که با جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی و خارجی مانند ایران‌داک^۱، اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی^۲، بانک اطلاعات نشریات کشور^۳، پرتال جامع علوم انسانی^۴، پایگاه مجلات تخصصی نور^۵، پروکوئست^۶، اریک^۷، تیلور و فرانسیس^۸، جستور^۹، آکادمیا ادو^{۱۰}، ساینس دایرکت^{۱۱}، گوگل اسکولار^{۱۲} و غیره و نیز با جست و جو در کنفرانس‌ها و همایش‌های برگزار شده، منابع موجود در این حوزه نیز احصاء گردید. منابع به‌دست آمده، به دو دسته تقسیم شدند: منابعی که صراحتاً و مستقیماً به موضوع ضرورت برنامه‌دسی اسلامی پرداخته بودند و منابعی که نه صراحتاً، اما در قالب عناوینی دیگر، مانند مشکلات موجود نظام‌های برنامه درسی، چالش‌های کشورهای مسلمان و غیره به این موضوع ارتباط داشتند. منابع احصا و بخش‌های مرتبط با موضوع در آنها

1. www.irandoc.ac.ir
2. www.sid.ir
3. www.magiran.com
4. www.ensani.ir
5. www.ensani.ir
6. www.proquest.Com
7. Eric.Ed.Gov
8. Taylorandfrancis.Com
9. www.jstor.org
10. www.academia.edu
11. www.sciencedirect.Com
12. Scholar.Google.Com

معین شد. در گام دوم، این بخش‌ها عمیقاً مطالعه و مهمترین گزاره‌ها و جملاتی که دربردارنده ضرورت برنامه درسی اسلامی از موضع هر صاحب‌نظر بود، استخراج شد. در گام سوم، همه گزاره‌های احصاشده در کنار هم قرارگرفت، همپوشانی‌ها و تمایزاتشان مشخص شد و در نهایت، فهرست یکپارچه‌ای از گزاره‌ها به دست آمد که همپوشانی‌ها و تکرارها و تمایزها در آن مشخص شده بود. در گام چهارم، گزاره‌های احصاشده از ابعاد مختلف بررسی شد و لایه‌ها و اضلاع مختلف آنها شناسایی و تلاش شد تا همه گزاره‌ها در قالب دسته‌بندی‌های کلی‌تری سازمان پیدا کنند. نهایتاً مشخص شد که تمام ضرورت‌هایی را که برای برنامه درسی اسلامی مطرح می‌شود، می‌توان در تقسیم‌بندی اولیه‌ای بر اساس نوع نگاه به برنامه درسی به دو دسته تقسیم و سپس ذیل هر کدام، در چهار طبقه ضرورت‌های توصیفی، پیامدی، انتقادی، و خلق و تولید شناسایی نمود. این تقسیم‌بندی سنگ بنای اولیه نگاه جامع به ضرورت برنامه درسی بود. در انتخاب این دسته‌بندی، آنچه اهمیت داشت این بود که این طبقه‌بندی هم باید به قدری جامع می‌بود که همه گزاره‌ها را در ابعاد مختلف دربرمی‌گرفت و هم نباید خیلی مطول و گیج‌کننده می‌بود. از سویی هم این دسته‌بندی باید قابلیت دربرگرفتن گزاره‌های جدیدی را می‌داشت که از این پس در متون این حوزه تولید خواهد شد که طبقه‌بندی انتخاب‌شده همه این ویژگی‌ها را دارا بود. در پنجمین گام، پس از آنکه تمام گزاره‌ها، ذیل چهار طبقه اصلی قرار گرفتند، تلاش شد تا مفاهیم اصلی ذیل هر طبقه معین شود. بدین منظور، تمام گزاره‌هایی که مثلاً ذیل طبقه ضرورت انتقادی قرار داشت، با دقت بررسی و مهم‌ترین مفاهیم آن معین گردید و بر این اساس، ذیل هر کدام از طبقات کلی، طبقات جزئی‌تری شکل گرفت. این طبقات نیز باید نوآورانه و شمول‌گرایانه می‌بود تا هم مفاهیم کلیدی ذیل هر طبقه را نشان دهد و هم افق‌های تازه‌ای به روی فعالان این حوزه بگشاید. در گام ششم، مفهوم کلیدی ذیل هر طبقه تعیین شد. به عنوان نمونه، ضرورت انتقادی برنامه درسی اسلامی، نهایتاً در قالب یک گزاره کلیدی مطرح شد. انتخاب این گزاره‌ها، دقت تئوریک بالایی طلب می‌نمود؛ چرا که در عین اینکه باید سرگروه تمام گزاره‌های ذیل یک طبقه می‌بود، وجهه همت پژوهشگران آن بوده است که این گزاره دربردارنده ایدئولوژی جدیدی در این حیطه نیز باشد. در هفتمین گام، از مجموع مفاهیم کلیدی انتخاب‌شده، نگاه شمول‌گرایانه و جامعی به ضرورت برنامه درسی اسلامی به صورت چشم‌اندازی مطرح شد که هم قابلیت تبیین اندیشه‌های موجود را داشته باشد و هم دریچه‌های جدیدی به روی فعالان این حوزه،

ضرورت دانش برنامه درسی اسلامی: پارادایمی بالقوه میان پارادایم‌های موجود بگشاید و هم در قالب یک پیوستار، خط سیر ضرورت برنامه درسی اسلامی را از نگاهی سلبی تا نگاهی ایجابی تبیین کند.

یافته‌ها

شکل ۱ یافته‌های مراحل اولیه پژوهش را به خوبی نشان می‌دهد. در این تصویر، همان‌طور که بیان شد، ضرورت برنامه درسی اسلامی ابتدا بر اساس معانی برنامه درسی تفکیک و آنگاه ذیل هر کدام، چهار نوع ضرورت، شامل ضرورت‌های توصیفی، پیامدی، انتقادی و ناظر به خلق و تولید شناسایی شد. این طبقه‌بندی چهارگانه طوری مشخص شد که همه ابعاد و جوانب موضوع ضرورت برنامه درسی را در برداشته باشد، گزاره‌های موجود را پوشش دهد و بستری برای گشایش مناظر جدید نیز باشد.



شکل ۱. طبقه‌بندی کلی از ضرورت برنامه درسی اسلامی

در ادامه، این طبقات و طبقات فرعی ذیل آنها و مقولات محوری که در هر طبقه وجود دارد، تبیین می‌شود.

الف) ضرورت برنامه درسی اسلامی به مثابه سند و نظام

اگر برنامه درسی به مثابه سند و نظام در نظر گرفته شود، آن چنان که در غالب آثار نیز به این معنا بوده است، ضرورت برنامه درسی اسلامی نیز معنای خاصی خواهد داشت. گزاره‌هایی که در این معنا از برنامه درسی احصاء شد، به شکل دسته‌بندی‌شده در قالب جدول ۲ نمایش داده

می‌شود. پیش از جداول که دربردارنده گزاره‌ها هستند، تعریف هر نوع از ضرورت برنامه درسی اسلامی در ادامه آمده است.

ضرورت توصیفی برنامه درسی اسلامی به مثابه سند و نظام

در کنار آن دسته از گزاره‌هایی که با طرح انتقادات و خلأها و نواقصی در پی بیان ضرورت برنامه درسی اسلامی هستند، دسته‌ای دیگر از گزاره‌ها قابل شناسایی‌اند که به توصیف موضوعات و پدیده‌ها و مسائلی می‌پردازند که مبین ضرورت برنامه درسی اسلامی می‌باشند. به عبارتی، این گزاره‌ها با بیان برخی «هست‌ها»، ضرورت پرداختن به برنامه درسی اسلامی را بیان می‌کنند.

ضرورت پیامدی برنامه درسی اسلامی به مثابه سند و نظام

ضرورت پیامدی با طرح گزاره‌هایی که بیانگر پیامد، نتیجه و اثری هستند، در پی مطرح کردن ضرورت برنامه درسی اسلامی می‌باشد. این پیامدها در نگاه به برنامه درسی به مثابه سند و نظام، غالباً متمرکز بر پیامدهای برنامه‌های درسی موجود است. عمده پیامدی که مورد تأکید صاحب‌نظران بوده است، این است که رواج برنامه درسی غربی، رفته‌رفته منجر به حذف تفکر اسلامی شده است که این حذف تفکر اسلامی، خود موجب بحران‌ها و آثار سوء فراوانی است. پس وقتی رواج الگوهای رایج برنامه درسی منجر به فراموشی تفکر اسلامی می‌شود، دانشمندان مسلمان، روی آوردن به تفکرات اسلامی را در این قلمرو معرفی ضروری تلقی می‌کنند.

ضرورت انتقادی برنامه درسی اسلامی به مثابه سند و نظام

ضرورت انتقادی در این پژوهش به آن دسته از گزاره‌هایی اطلاق می‌گردد که از قبیل بیان یک نقد، به دنبال اثبات و استنباط ضرورت برنامه درسی اسلامی باشد؛ یعنی بیان یک نقد، خلا، نقص و غیره، که بیانگر ضرورت برنامه درسی اسلامی است. گزاره‌های ذیل این طبقه آشکار کرد که اغلب صاحب‌نظران، برنامه درسی اسلامی را به دلیل اینکه بر دیدگاه‌ها و نظریات غربی مبتنی است، مورد انتقاد قرار می‌دهند.

ضرورت ناظر به خلق و تولید برنامه درسی اسلامی به مثابه سند و نظام

دسته دیگر از گزاره‌هایی که ضرورت برنامه درسی اسلامی را بیان می‌کنند، نه دربردارنده نقد هستند و نه بیان‌گر توصیف؛ آنها بیانگر پیامد هم نیستند و بلکه با ارائه پیشنهاداتی به بیان

ضرورت دانش برنامه درسی اسلامی: پارادایمی بالقوه میان پارادایم‌های موجود ضرورت برنامه درسی اسلامی می‌پردازند. یعنی با بیان پیشنهاد، ایده، افق و نظری نسبتاً ضابطه-مند و چارچوب‌دار، ضرورتی جدید برای برنامه درسی اسلامی عنوان می‌کنند. در میان صاحب-نظرانی که برنامه درسی را در معنای محدود و سنتی در نظر داشته‌اند، غالب پیشنهادات ارائه شده بر اصلاح و مرمت برنامه درسی موجود تکیه دارد. به عبارتی، آنان ضرورتی اصلاحی برای برنامه درسی اسلامی مطرح نظر دارند. بدین معنا که برنامه درسی بستری ثابت است و برای اسلامی کردن آن تنها باید آیات و روایاتی به بخش‌هایی از آن تزریق کرد.

جدول ۲. گزاره‌های ذیل ضرورت برنامه درسی اسلامی به مثابه سند و نظام

ضرورت برنامه درسی اسلامی به مثابه سند مکتوب و نظام	
ضرورت انتقادی (معطوف به برنامه درسی جوامع اسلامی)	
ضرورت توصیفی (معطوف به توصیف رابطه دین و برنامه درسی)	
دین پیش‌نیاز اساسی تربیت است و برنامه درسی نقش مهمی در تربیت دینی دارد.	<ul style="list-style-type: none"> ✓ آموزش بدون دین ناامید، بی‌فایده و بی‌ارزش است (ادبایو، ۲۰۰۵: ۹). ✓ نیاز همه بشریت به ارزش‌های جهانی دین اسلام برای خودسازی وجود دارد (سلیمان، ۲۰۱۴). ✓ برنامه درسی بستری مناسب برای تحقق بخشی به اندیشه‌های معنوی است (ادیب منش، لیاقتدار و نصر، ۱۳۹۷: ۶۲). ✓ برنامه درسی دینی زمینه دستیابی و تقرب فراگیران به حیات طیبه و کمال انسانی را فراهم می‌کند (یوسف‌زاده و جمشیدی، ۱۳۹۳: ۷۶). ✓ برنامه درسی اسلامی، منجر به تعالی رفتارهای فردی و اجتماعی دانش‌آموزان می‌شود (نجفی و دیگران، ۱۴۰۰: ۳).
ضرورت پیامدی (پیامدهای رواج برنامه درسی غربی در جوامع اسلامی)	
حذف تفکر اسلام در دو حوزه دانش و عمل و بحران‌های علمی و	<ul style="list-style-type: none"> ✓ علوم تربیتی معاصر از ایدئولوژی‌ها جدا شده و در پی دانش تجربی است (باقری، ۱۳۸۰). ✓ انتخاب محتوای تربیتی تنها متأثر از نیروهای اجتماعی یا روان‌شناختی و جامعه‌شناختی است و از دین غفلت می‌شود (علم الهدی، ۱۳۸۱: ۳). ✓ برنامه‌های درسی غربی یک شخصیت متلاشی، تک‌بعدی و صرفاً مادی تربیت می‌کند (یعقوب، امبونگ، ۲۰۰۸؛ میزراخانی، ۱۳۹۱: ۹، ادبایو، ۲۰۱۵). ✓ در پی رواج برنامه‌های درسی غربی، بزهکاری و نابسامانی فکری و روحی و ناتوانی در برآوردن نیازهای معنوی افزایش یافته است (نجفی، ۱۳۸۶: ۴).



عملی	<p>✓ برنامه درسی غربی، فرهنگ اسلامی را از ذهن دانش‌آموزان پاک و زبان طبیعی آنها را نیز فرسوده کرده است (ادبایو، ۲۰۱۵، ۲۰۱۶).</p> <p>✓ پیامد احتمالی این سیستم، ذهن‌های سکولارزده و محافظه‌کار است که قادر نیست نقش درست یک خلیفه را بازی کند (هاشیم، ۲۰۱۳: ۶۱-۶۲).</p> <p>✓ برنامه‌های درسی بیگانه منجر به غرب‌گرایی تدریجی مسلمانان می‌شود (اولادوسو، ۲۰۱۲).</p> <p>این برنامه‌های درسی گرایش به سمت معنویت‌های کاذب و نوظهور و ناقص را افزایش داده است (نجفی، ۱۳۸۶: ۴).</p>
<p>ضرورت انتقادی (معطوف به برنامه درسی جوامع اسلامی)</p>	
عناصر برنامه درسی در وضعیت موجود، مبتنی بر دیدگاه‌های غربی و مروج آن هستند.	<p>➤ میزان توجه به ارزش‌های اسلامی ایرانی در برنامه درسی ناچیز است و نارسایی‌های مهمی در برنامه درسی دیده می‌شود (فیاض، ۱۳۸۶).</p> <p>➤ تمرکز بر رشد شناختی و عقلانی و ارزش‌های بیرون از یادگیرنده (هاشیم، ۲۰۱۳: ۶۱-۶۲)، بی‌توجهی به ابعاد مختلف انسان (میزراخانی، ۱۳۹۱: ۹، قاسم‌پور دهقانی و نصر اصفهانی، ۱۳۹۰) و غفلت از رشد اخلاقی و معنوی (هاشیم، ۱۹۹۹: ۳۵-۳۷) دیده می‌شود.</p> <p>➤ اهداف پراگماتیک هستند تا اسلامی (هاشیم، ۱۹۹۹: ۳۵-۳۷).</p> <p>➤ هدف‌گذاری در آموزش عالی، برخلاف مأموریت رفیع آنهاست (هاشیم، ۲۰۱۳: ۶۱-۶۲).</p> <p>➤ فضای ماده‌گرا و تقدس‌زدای نهادهای تربیت فن‌آورانه حاکم است (علم الهدی، ۱۳۸۱: ۶).</p> <p>➤ نظام آموزشی موجود بر اساس مدل‌های غربی شکل گرفته است (مؤسسه جهانی تفکر اسلامی، ۱۹۹۸: ۵؛ نقل در ایمان و کلاته ساداتی، ۱۳۹۸: ۷۷).</p>
انتقادات به عنصر محتوا	
	<p>➤ به روز نبودن محتوا و عدم انطباق آن با نیازهای کشور (نوذری، ۱۳۹۱: ۱۳۹)؛</p> <p>➤ عاریت گرفتن محتوا از غرب (هاشیم، ۱۹۹۹: ۳۵-۳۷) و از خودبیگانگی دائمی از اسلام (مؤسسه جهانی تفکر اسلامی، ۱۹۹۸: ۵؛ نقل در ایمان و کلاته ساداتی، ۱۳۹۸: ۷۷)؛</p> <p>➤ فقدان روح معنویت‌گرایی و سیطره کمیت و مادی‌گرایی و تبدیل مدارس به ابزاری برای برای آماده‌کردن فراگیران برای زندگی رقابت‌آمیز تجاری و اقتصادی (ملکی، ۱۳۹۸: ۲۴)؛</p> <p>➤ منحصر کردن رشد دینی فراگیران در درس تعلیمات دینی (قاسم‌پور دهقانی و نصر اصفهانی، ۱۳۹۰: ۷۲، امین و حنیف، ۲۰۱۱)؛</p> <p>➤ کمبود کتاب درسی مناسب با نظام اسلامی (هاشیم، ۲۰۱۳: ۶۱-۶۲).</p>
انتقادات به عنصر تدریس و ارزشیابی	
	<ul style="list-style-type: none"> • فقدان روش‌های سنجش اهداف اسلامی (هاشیم، ۲۰۱۳: ۶۱-۶۲)؛ • ناهمخوانی اهداف اخلاقی و اسلامی و روش‌های ارزشیابی و تجربیات یادگیری (هاشیم، ۱۹۹۹: ۳۵-۳۷)؛ • تأکید بر نتایج، عینیت و ظواهر (موحدی محصل طوسی، ۱۳۹۱)؛

ضرورت دانش برنامه درسی اسلامی: پارادایمی بالقوه میان پارادایم‌های موجود

	<ul style="list-style-type: none"> • فقدان دانش روش‌شناسی تدریس در برنامه درسی موجود جوامع مسلمان (هاشیم، ۲۰۱۳: ۶۱-۶۲)؛ • بی‌توجهی به تفکر خلاق و نقاد و بیان آزاد اندیشه‌ها در تدریس و ارزشیابی در برنامه درسی موجود جوامع مسلمان (هاشیم، ۱۹۹۹: ۳۵-۳۷)؛ • تدریس علوم دینی با اشاره محدود به سایر رشته‌ها یا مسائل دنیای واقعی (امین و حنیف، ۲۰۱۱)؛ • دوگانه‌گرایی آموزشی، یعنی وجود دو سیستم آموزشی، شامل سیستم سکولار ملی و نظام دینی اسلامی سنتی که هر دو در تربیت شخصیت یکپارچه اسلامی ناموفق و ناتوان هستند (یعقوب، امبونگ، ۲۰۰۸)؛ • تابع نبودن تدوین برنامه‌های درسی و تألیف کتب و تعیین ساعات و روش‌های تدریس از یک برنامه جامع مبتنی بر فرهنگ اسلامی ایرانی (سند برنامه درسی ملی، ۴)؛ • در دسترس نبودن نهاد اسلامی در مورد اسلامی‌سازی برنامه درسی در نیجریه (ادبایو، ۲۰۱۵: ۲۰۱۶)؛ • فقدان معلمان با صلاحیت، با دانش یکپارچه اسلامی و حرفه‌ای (هاشیم، ۲۰۱۳: ۶۱-۶۲)؛ • استقلال نداشتن در تصمیم‌گیری و فشار نهادهای بیرونی در مالزی (هاشیم، ۲۰۱۳: ۶۱-۶۲).
	<p>ضرورت خلق و تولید (معطوف به تغییر برنامه‌های درسی موجود غربی)</p>
<p>دانش موجود برنامه درسی به عنوان بستر اصلی و اولیه مورد پذیرش قرار گرفته و بناست در آن اصلاحات و اضافاتی صورت گیرد.</p>	<ul style="list-style-type: none"> ❖ اسلامی کردن کل فرایند برنامه درسی موجود غربی (اولادوسو، ۲۰۱۲)؛ ❖ ارائه برنامه درسی با استفاده از منابع اسلامی، یعنی قرآن و روایات (ویسی، فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۷) و برنامه درسی که مبتنی بر وحی و عقل به عنوان منابع اصلی دانش باشد (انور حسن، ۱۹۸۷)؛ ❖ تلفیق دانش با ارزش‌ها و اصول اسلامی (امین و حنیف، ۲۰۱۱؛ یعقوب و امبونگ، ۲۰۰۸)؛ ✓ طراحی و تدوین یک برنامه درسی اسلامی (نجفی، ۱۳۸۶: ۴؛ بهشتی، ملکی و ویسی، ۱۳۹۲: ۴)؛ ✓ مبانی متافیزیکی اسلام، محور در حکم جهت‌دهنده به گرایش‌ها و نیروهای موثر در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای نظام تربیت اسلامی (علم‌الهدی، ۱۳۸۱: ۳)؛ ✓ نظام برنامه درسی مبتنی بر نظام فلسفی و اعتقادی حاکم بر جامعه اسلامی (بهشتی، ملکی و ویسی، ۱۳۹۲: ۲).

بنابراین، پارادایم کلی را که در ضرورت برنامه درسی به مثابه سند و نظام تعیین شده است، ضرورت تنقیح و مرمت دینی نام گذاشته‌ایم. این اصطلاح نشان می‌دهد که ضرورت برنامه

درسی در پرتو نقد، توصیف، پیامد و یا پیشنهاد اگر به برنامه درسی به مثابه یک سند و نظام نگاه کند، در اصلاح برنامه درسی موجود معنا خواهد شد. مرمت و اصلاحی که نقدها، یعنی دیدگاه-های غربی را کم فروغ کند، هدایت دینی را با ورود دین به برنامه درسی به ارمغان آورد، اسارت علمی و فکری ناشی از تفکر غربی را کاهش دهد و نهایتاً برنامه درسی مرمت شده یا اصلاح-شده‌ای به دست دهد. شمای این دسته ضرورت برنامه درسی در شکل ۲ نشان داده شده است.



شکل ۲. شمای کلی از مفاهیم کلیدی ضرورت های چهارگانه برنامه درسی اسلامی به مثابه سند و نظام

ب) ضرورت برنامه درسی به مثابه قلمرو معرفتی

اگر برنامه درسی به مثابه یک قلمرو معرفتی و یا رشته دانشگاهی در نظر گرفته شود، گزاره‌های مربوط به ضرورت اسلامی سازی آن هم رنگ و بوی متفاوتی خواهد داشت. صاحب نظرانی که چنین معنایی در برنامه درسی اسلامی مدنظر داشته‌اند که البته تعدادشان اندک است، گزاره‌هایی را که در جدول ۳ آمده است بیان نموده‌اند.

ضرورت دانش برنامه درسی اسلامی: پارادایمی بالقوه میان پارادایم‌های موجود

ضرورت توصیفی برنامه درسی اسلامی به مثابه قلمرو معرفتی

در نگاه‌های توصیفی به ضرورت برنامه درسی، توصیف مهمی که طرح شده آن است که قلمرو معرفتی برنامه درسی ماهیتی وابسته به ارزش و فرهنگ دارد و لذا از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر یا به عبارت دقیق‌تر، از یک جهان‌بینی به جهان‌بینی دیگر متفاوت خواهد شد و از آن نتیجه گرفته‌اند که لازم است جوامع اسلامی بر اساس ارزش‌های اسلامی این قلمرو معرفتی را بازسازی کنند.

ضرورت پیامدی برنامه درسی اسلامی به مثابه قلمرو معرفتی

دو دسته پیامد مطمح نظر است: پیامدهایی که از قبل برنامه‌های درسی موجود حاصل شده‌اند که عمدتاً به نقدها هم نزدیکند؛ اما نقدها بیشتر جنبه نظری دارند و پیامدها بر آثار محقق‌شده در عمل نظر دارند و همچنین پیامدهایی که از قبل اعمال برنامه درسی اسلامی در وضعیت مطلوب و آرمانی محقق خواهد شد که این دسته از پیامدها هر چند در عمل محقق نشده‌اند، پیش‌بینی می‌شود که منطقی‌اً حصول آنها دور از انتظار نخواهد بود.

ضرورت انتقادی برنامه درسی اسلامی به مثابه قلمرو معرفتی

همان‌طور که بیان شد، در ضرورت انتقادی، نگاه صاحب‌نظر معطوف به کاستی‌ها، نقصان‌ها و خلاهایی است که پرداختن به برنامه درسی را ضرورت بخشیده است. از مجموع این گزاره‌ها می‌توان نابسامانی نظری و فلسفی و غفلت از نگاه‌های دیسپلینی را به عنوان معنای اصلی این طبقه مطرح کرد. دغدغه‌مندان برنامه درسی اسلامی، مهمترین نقد را به وضع موجود و نابسامانی‌های نظری و تکیه بر نظریات غربی می‌دانند که ضرورت پرداختن تئوریک به برنامه درسی را از موضعی اسلامی ضروری می‌کند.

ضرورت ناظر به خلق و تولید برنامه درسی اسلامی به مثابه قلمرو معرفتی

ضرورت خلق و تولید، همان‌طور که پیش از این مطرح شد، بستری است برای ضرورت‌های پویا و متعالی. ضرورت برنامه درسی موضوعی نیست که در یک نقطه به پایان برسد؛ بلکه حتی در اوج غنا، بازهم امکان پیشنهاد‌های متعالی‌تر و ضرورت‌های جدیدتر وجود دارد. در میان نظرات موجود، مهمترین پیشنهادی که ضرورت برنامه درسی به مثابه یک قلمرو معرفتی را تبیین می‌کند، ضرورت نظرورزانه است. این پیشنهاد معمولاً حاوی ضرورتی است که وضعیت موجود، کمترین مقدار آن را داراست. اسارت فکری و احاطه نظریات غربی بر فضای قلمرو معرفتی

برنامه درسی، ضرورت پرداخت نظروزانه به این قلمرو را پررنگ می‌سازد. البته تعریف و دامنه مفهوم نظریه‌پردازی بسیار متنوع است. برخی نظریه‌پردازی را ضرورتی تنها در یک یا چند قلمرو معرفتی برنامه درسی دانسته و برخی در نگاهی وسیع‌تر، نظریه‌پردازی را در تمام ابعاد قلمرو معرفتی برنامه درسی و در تمام مسائل نظری و فنی مطرح نظر قرار داده‌اند. تلقی برنامه درسی به مثابه دانش، منجر به این می‌گردد که نظریه‌پردازی لاجرم از بنیادی‌ترین لایه‌های معرفت‌شناختی و روش‌شناختی تا ریزترین مسائل مطرح ذیل هر قلمرو را دربرگیرد. در این معنا، نظریه‌پردازی معنای شعارگونه ندارد و ضرورتی است که بدون تمسک حقیقی به آن، انتظار برنامه درسی اسلامی بدون معنا خواهد بود.

جدول ۳. گزاره‌های ذیل ضرورت برنامه درسی به مثابه قلمرو معرفتی

برنامه درسی اسلامی به مثابه قلمرو معرفتی	
ضرورت توصیفی	
(توصیف رابطه دین و دانش برنامه درسی)	
رشته برنامه درسی ماهیتی ارزشی و فرهنگی داشته و ماهیت آن از یک جهان‌بینی به جهان‌بینی دیگر تفاوت می‌کند و برنامه درسی اسلامی جامعیت و برتری کامل نسبت به سایر جهان‌بینی‌ها برخوردار است.	<p>➤ برنامه درسی مفهومی مرتبط با فرهنگ، دین، سیاست، تاریخ، و جغرافیاست (موسوی نسب، رزاقی و خطیبی، ۱۳۹۱) و هر نظام تربیتی جهت‌گیری مشخصی دارد (جمالی زواره، ۱۳۹۰).</p> <p>➤ طراحی و تدوین برنامه درسی بدون مبانی نظری و پیش‌فرض‌های تئوریک و معرفت‌شناختی آن امکان‌پذیر نیست (نجفی، ۱۳۸۶؛ باقری و سجادیه، ۱۳۹۰: ۱۱۲، بهشتی، ملکی و ویسی، ۱۳۹۲: ۲).</p> <p>➤ بستر اجتماعی و فرهنگی مناسب برای یک جریان معرفتی شرط ضروری حیات معرفت و رواج آن است (لطیفی، ۱۳۹۳: ۳۶۶).</p> <p>➤ مسائل تربیتی، از جمله برنامه درسی ماهیت هنجاری دارند و پاسخگویی به آنها مستلزم تصریح و تأکید بر نظام ارزشی پایه‌ای است (علم الهدی، ۱۳۸۱: ۳).</p> <p>➤ نظریه در تربیت اسلامی بر بستر روش‌شناسی ویژه خود شکل می‌گیرد و ریشه در مبانی نظری مخصوص و دیدگاه‌های روانشناختی، جامعه‌شناختی و جهان‌بینی‌های خاص به خود دارد (لطیفی، ۱۳۹۳: ۲-۵؛ ویسی و فتحي و اجارگاه، ۱۳۸۷؛ کشتی‌آرای و سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۲).</p> <p>➤ برنامه درسی نقش انکارناپذیری در حاکم کردن جهان‌بینی اسلامی بر نظام آموزشی کشور دارد (محسن‌پور، ۱۳۸۶: ۱۳۶).</p>

ضرورت دانش برنامه درسی اسلامی: پارادایمی بالقوه میان پارادایم‌های موجود

<p>توصیف قابلیت‌های دین اسلام</p>	<p>➤ اسلام به عنوان یک مکتب، نظام تربیتی خاص خود را دارد (سلطانی- نژاد، کشتی‌آرای و واعظی، ۱۳۹۷: ۴۵).</p> <p>➤ اسلام، فضای کافی برای نظریه‌های مختلف اندیشه دارد (انور حسن، ۱۹۸۷) و برنامه درسی مطابق با آن به مراتب کامل‌تر و جامع‌تر از برنامه‌های درسی الگوگرفته از معنویت‌های بشری است (میزراخانی، ۱۳۹۱: ۱۰).</p> <p>➤ دین برای تمامی ابعاد وجودی فراگیران برنامه جامع و قابل درکی دارد (ویسی و فتحی واجارگاه، ۱۳۸۷؛ انور حسن، ۱۹۸۷؛ یوسف‌زاده و جمشیدی، ۱۳۹۳: ۷۶).</p> <p>➤ در اندیشه اسلامی‌سازی علوم، تعلیم و تربیت مهمترین رکن و پیش‌نیاز احیای تعالی و هویت اسلامی است (سجادی و برخوردار، ۱۳۸۳: ۶۱).</p> <p>➤ مکاتب دست‌ساخته بشر توانایی نداشته‌اند تا به زوایای پنهان وجود آدمی دست یافته و نیازهای اساسی او را به شکل مثبت، جامع و کامل تأمین نمایند (نجفی، ۱۳۸۶: ۳).</p>
<p>توصیف اختصاصات جامعه و زمانه</p>	<p>➤ فضای متحول موجود در ایران و جهان (امین‌خندقی و مهدوی‌خواه، ۱۳۹۶: ۴).</p> <p>➤ جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم (همان)</p>
<p>ضرورت پیامدی (معطوف به پیامدهای تحقق و عدم تحقق دانش برنامه درسی اسلامی)</p>	
<p>احیای دین و غلبه بر زوال فکری و حل بحران‌ها</p>	<p>✓ تا زمانی که دانشگاه‌ها نتوانند برنامه درسی خود را به طور کامل اسلامی کنند، هیچ سهم قابل توجهی در روشنفکری اسلامی نخواهند داشت و عملاً چیزی از دانشگاه اسلامی نخواهد بود (ادبایو، ۲۰۱۶: ۹۳-۹۷).</p> <p>➤ عدم ابتدای برنامه درسی اسلامی بر مبانی و معیارها، ارزش‌ها، اصول و قواعد جامعه منجر می‌شود برنامه درسی نتواند نقش خاص خود را در قبال نظام تعلیم و تربیت تحقق بخشد (امین‌خندقی و مهدوی‌خواه، ۱۳۹۶: ۴)</p>
<p>پیامدهای تحقق دانش برنامه درسی</p>	<p>✓ تربیت انسان‌های مطلوب و نسل عالم (امین و حنیف، ۲۰۱۱؛ بهشتی، ملکی و ویسی، ۱۳۹۲: ۴؛ حافظ محمد اخلاص، ۲۰۰۵)؛</p> <p>✓ پاسخگویی به نیازهای امروز جامعه و غلبه بر مشکلات برنامه‌های</p>



	<p>درسی غیراسلامی (ادبیات، ۲۰۱۵، ۲۰۱۶؛ بهشتی، ملکی و ویسی، ۱۳۹۲؛ اسلامی؛ (۴)</p> <p>✓ راهی برای حاکم کردن جهان‌بینی اسلامی بر نظام آموزشی کشور (محسن‌پور، ۱۳۸۶: ۱۳۶)؛</p> <p>✓ احیا و تعالی هویت اسلامی امت و غلبه بر زوال فکری (یعقوب و امیونگ، ۲۰۰۸)؛</p> <p>✓ غلبه بر بحران‌های جهان اسلام و چالش‌های اخلاقی و فساد دامن‌گیر در جوامع (یعقوب و امیونگ، ۲۰۰۸؛ قاسم‌پور دهقانی و نصر اصفهانی، ۱۳۹۰: ۷۳؛ سلیمان، ۲۰۱۴)؛</p> <p>➤ رفع مشکلات اقتصادی - اجتماعی (امین و حنیف، ۲۰۱۱).</p>
<p>گزاره کلیدی</p>	<p>ضرورت انتقادی</p> <p>(معطوف به دانش برنامه درسی در جوامع اسلامی)</p>
<p>نابسامانی نظری و فلسفی و غفلت از نگاه‌های دیسپلینی</p>	<ul style="list-style-type: none"> • حذف کامل یا تحقیر جهان‌بینی اسلامی و ضعف شدید فلسفی و کم‌مایگی مباحث معرفت‌شناختی (اولادوسو، ۲۰۱۲؛ علوانی؛ ۱۳۸۵، ۹۷-۹۵؛ هاشیم، ۲۰۱۳: ۶۱-۶۲)؛ • چهارچوب‌ها، جهان‌بینی‌ها، ارزش‌ها و فلسفه برنامه درسی عاریتی و تقلیدی و فقر رویکردهای دینی و مذهبی در خصوص برنامه درسی (محسن‌پور، ۱۳۸۳؛ ویسی و فتحی واجارگاه، ۱۳۸۷؛ هاشیم، ۱۹۹۹: ۳۷-۳۵؛ ادبیات، ۲۰۱۵، ۲۰۱۶؛ نوذری، ۱۳۹۱: ۱۳۹)؛ • نامعین و التقاطی و غیربومی بودن غالب جهت‌گیری‌های نظری متخصصان، محققان و مدرسان (مرزوقی، ۱۳۹۵: ۱۵۵-۱۵۶؛ یوسف‌زاده و جمشیدی، ۱۳۹۳: ۶۶)؛ • فقدان دانش مبانی و مدل برنامه درسی اسلامی (هاشیم، ۲۰۱۳: ۶۱-۶۲؛ ادبیات، ۲۰۱۵، ۲۰۱۶)؛ • نابسامانی نظری، مشکلات توسعه علمی و ترجمه‌گرایی رشته برنامه درسی (مرزوقی، ۱۳۹۵: ۱۵۵-۱۵۶، ۱۴۲؛ برزیده، محمودنیا، فائدی و ضرغامی، ۱۳۹۵)؛ • ناتوانی صاحب‌نظران برنامه درسی اسلامی در تدوین اصول و قواعد ساختارمند برای آن (حسین، ۲۰۰۶، دانقور، ۲۰۰۵)؛ • فقدان پژوهش‌های بنیادین و کم‌مایگی پژوهش‌ها و تحلیل‌ها در حوزه روش-شناسی (لطیفی، ۱۳۹۳: ۲-۵)؛ • فقدان مدل برنامه درسی اسلامی و نظام آموزشی دانشگاه اسلامی (ادبیات، ۲۰۱۵، ۲۰۱۶)؛ • کاستی‌ها و غفلت‌های صاحب‌نظران رشته در توجه به ماهیت، حدود و ابعاد برنامه درسی (امین‌خندقی و مهدوی‌خواه، ۱۳۹۶: ۴).

ضرورت دانش برنامه درسی اسلامی: پارادایمی بالقوه میان پارادایم‌های موجود

ضرورت خلق و تولید		
(معطوف به نظریه‌پردازی و تغییر پارادایم‌ها)		
<p>تمرکز بر نظریه-پردازی در تمام ابعاد برنامه درسی اسلامی</p>	<p>تمرکز بر نظریه‌پردازی</p>	<p>نیاز به تبیین الگویی پارادایمی (مرزوقی، ۱۳۹۵: ۱۴۲):</p> <p>حرکت به سوی اندیشه‌های دینی و معنوی، به ویژه در برنامه درسی به عنوان نگرشی نو و گفتمانی جدید، اندیشه‌ای ژرف و متحول‌کننده (مهرمحمدی و امین‌خندقی، ۱۳۸۸):</p> <p>پژوهش‌های بنیادی آکادمیک در زمینه مباحث تربیتی و آموزشی برگرفته از نظام ارزشی و آموزه‌های دینی (نجفی، ۱۳۸۶: ۴).</p>
<p>به مثابه دیدگاهی قابل مذاکره در برابر سایر دیدگاه‌های موجود</p>	<p>تمرکز بر نظریه‌پردازی در تمام ابعاد قلمرو برنامه درسی</p>	<p>نظریه‌پردازی با تأکید بر تمام ابعاد و عرصه‌های برنامه درسی (امین-خندقی و مهدوی، ۱۳۹۷)</p>

شمای زیر (شکل ۳) در نگاهی باهم‌نگرانه و کلی، ضرورت برنامه درسی اسلامی را به مثابه قلمروی معرفتی نشان می‌دهد.



شکل ۳. باهم‌نگری ضرورت برنامه درسی اسلامی به مثابه قلمرو معرفتی

نتیجه گیری

این مقاله با هدف بررسی موضوع ضرورت دانش برنامه درسی اسلامی صورت گرفت. یافته‌های آن را می‌توان به دو قسمت تقسیم نمود. بخشی از یافته‌ها ناظر به این بود که دغدغه‌مندان در حوزه برنامه درسی اسلامی، ضرورت آن را در چه مواردی می‌دانند؟ و بخشی ناظر به طرح ضرورتی جدید است که در این پژوهش مطرح شده است. یافته‌ها در بخش اول، به روشنی در قالب جداول و اشکال مطرح شد. از آنجا که برداشت‌های موجود به برنامه درسی اسلامی، عمدتاً در مواجهه‌ای عملی، آن را به مثابه سند و نظام در نظر می‌گیرند، مهمترین ضرورتی که در آثار برای برنامه درسی اسلامی یافت شد تکیه بر مرمت و اصلاح برنامه‌های درسی موجود با نگاه دینی بود. اما ضرورتی که این پژوهش بر آن تاکید دارد، چند مولفه اساسی دارد: اول اینکه برنامه درسی را در مقام نظر و به مثابه دانشی در نظر می‌گیرد که ابعاد و قلمروهای گوناگون دارد. دوم آنکه بر ضرورت نظریه‌ای تاکید می‌کند که مرکز آن تلاش برای نظریه‌پردازی این دانش بر اساس جهان‌بینی اسلامی، در ابعاد و قلمروهای مختلف آن است. در ادامه در چند سطر، علت اهمیت این ضرورت برنامه درسی اسلامی تشریح می‌گردد.

هر حوزه علمی بر مبنای جهان‌بینی خاصی شکل می‌گیرد و هر فلسفه‌ای هم جهان‌بینی خاص خود را دارد و اساساً علم بدون جهان‌بینی و فلسفه نمی‌تواند ظهور خارجی پیدا کند (ایمان و کلاته ساداتی، ۱۳۹۲: ۴۴۷). لذا علوم یا معرفت‌های علمی، متأخر از جهان‌بینی و فلسفه هستند. در این معنا، هر شاخه یا رشته علمی، مانند «مطالعات برنامه درسی» هم مبتنی بر جهان‌بینی شکل می‌گیرد (مرزوقی، ۱۳۹۵: ۲۷). درون قلمرو معرفتی برنامه درسی نیز تعداد فراوانی دیدگاه و چشم‌انداز قابل شناسایی است. دانشمندان مختلف به شیوه‌های متعدد و بر اساس معیارهای متفاوتی به تقسیم‌بندی این پارادایم‌ها در بدنه حوزه برنامه درسی مبادرت کرده‌اند (پاینار و همکاران، ۱۹۹۵؛ پاینار، ۱۹۷۸؛ ژيرو، پینا و پاینار، ترجمه مهرمحمدی، ۱۳۸۳؛ شوبرت، ۱۹۸۶). به عنوان نمونه، پاینار با معیار سیر تحول تاریخی، پارادایم‌های برنامه درسی را به سه دسته سنت‌گرایی، تجربه‌گرایی مفهومی و نومفهوم‌گرایی تقسیم می‌نماید (پاینار، ۱۹۷۸). اینکه چه تعداد دسته‌بندی و با چه معیارهایی از پارادایم‌های برنامه درسی وجود دارد، موضوع این پژوهش نیست و بلکه بیان این مسأله در نظر است که جریان مداوم ظهور و افول دیدگاه‌ها

ضرورت دانش برنامه درسی اسلامی: پارادایمی بالقوه میان پارادایم‌های موجود در این حوزه معرفتی همانند سایر قلمروهای علمی برقرار است و همان طور که بیان شد، این دیدگاه‌ها مبتنی بر جهان‌بینی‌ها هستند. شکل ۴ این قاعده را نشان می‌دهد.



شکل ۴. جریان افول و ظهور دیدگاه‌ها در حوزه برنامه درسی

بر این مبنا، معلوم می‌شود که هر قلمروی از قلمروهای برنامه درسی و تمام موضوعات اساسی که در دل هر کدام از آنها قرار دارد، وابسته به جهان‌بینی آن پارادایم خواهد بود. این روال، به خوبی نشان می‌دهد که اگر قرار است در جوامع اسلامی عمل برنامه درسی بر اساس دیدگاه اسلامی پیش رود، باید مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی باشد و این جهان‌بینی باید از طریق فرایند نظریه‌پردازی از بالاترین سطوح تا عملیاتی‌ترین و جزئی‌ترین سطوح آن جریان داشته باشد.

در توضیح بیشتر به تفکیکی که در بیان مسأله میان دو نوع مواجهه عملی و نظری با برنامه درسی مطرح شد اشاره می‌کنیم. در مواجهه عملی، دغدغه‌مندان تلاش خود را صرف میدان و عمل برنامه درسی می‌کنند. مثلاً سعی می‌کنند به طراحی یا تدوین یک برنامه درسی یا تولید یک محتوا بپردازند. اما در مواجهه نظری، تلاش‌ها معطوف به دانش بنیادینی است که عمل برنامه درسی نیز مبتنی بر آن است. در مواجهه نظری یا دانشی، این نکته اساسی مطرح است که کوچکترین تغییری در میدان عمل، وابسته به دانش است. عمل، به خودی خود، دارای ماهیت نیست و بلکه آنچه به عمل برنامه درسی قوام و هویت می‌بخشد، دانش و نظریات است. از این حیث معلوم می‌شود که دانش برنامه درسی و مواجهه نظری با آن، بر مواجهه عملی با برنامه درسی تقدم دارد و بنابراین، اگر متخصصان برنامه درسی با دغدغه اسلامی‌سازی آن قصد دارند نتایج و برون‌دادها و خروجی‌های نظام برنامه درسی صبغه اسلامی داشته باشد و مثلاً تمایل دارند کتاب‌های درسی، طراحی‌ها و تدوین‌ها و امثال آنها رنگ اسلامی بگیرد، اول از همه باید بدانند و بپذیرند که تغییر در این عناصر محقق نخواهد شد، مگر با تغییر در مجموعه نظریات و دانش-

ها و بنیادهایی که عمل برنامه درسی مبتنی بر آن است. مواجهه عملی با برنامه درسی اسلامی به مواجهه نظری با آن وابسته است. این دو نوع مواجهه دو انتخاب نیست که دغدغه‌مندان بر حسب علایق خود یکی را انتخاب کرده و به آن روی آورند؛ بلکه از نظر منطقی تا مواجهه نظری با برنامه درسی اسلامی تعیین تکلیف نشود، مواجهه عملی با آن بی‌معنا، بی‌حاصل، سطحی و قشری خواهد بود. عمل برنامه درسی به واسطه نظریاتی که بر آن مبتنی است، آبیاری می‌شود. چگونه می‌توان بدون دخالت در سطح نظری، انتظار تغییر در عمل را داشت؟ خطای بسیاری از صاحب‌نظران برنامه درسی اسلامی، امروزه دقیقاً به همین برمی‌گردد. آنان تلاش می‌کنند محتوای کتاب‌های درسی را با اضافه کردن آیات و روایات، و یا حتی افزودن آیات و روایات به درس‌هایی مانند علوم تجربی و اجتماعی، و یا حتی تدوین نظرگاه فلسفی اسلامی که باز هم قرار است همان خوانش غربی از دانش برنامه درسی را اسلامی‌کند، همه و همه نمونه‌هایی از همین غفلت مهم است؛ غفلتی که نظریات، دیدگاه‌ها و جهان‌بینی‌های غربی و غیراسلامی را اخذ کرده و روی آن و در ظاهری‌ترین سطوح سرگرم تغییراتی است؛ تغییراتی که چون ریشه‌ای و بنیادین نیست، اثری در دنیای عمل به جا نمی‌گذارد. این غفلت از وابستگی عمل به نظر، نه تنها در کشور ما، بلکه به اذعان آثار موجود در حوزه برنامه درسی اسلامی، در میان غالب صاحب‌نظران فعال در جوامع اسلامی فراگیر است و به نظر می‌رسد مهمترین علت ایستایی و رکود و توفیق نداشتن در این حوزه است. غفلت از مبانی تئوریک برنامه درسی اسلامی، امروزه موضوعی است که به مهمترین ضرورت این قلمرو تبدیل شده است و لذا مهمترین ضرورت برنامه درسی اسلامی، در شرایط موجود ضرورت دانشی و نظری آن است.

اینکه ضرورت نظرورزانه چیست و چه ابعادی دارد، موضوعی است که خود، فضایی مستقل می‌طلبد. در این‌جا دو جنبه سلبی آن مطرح می‌شود که به ایضاح این مسأله کمک می‌کند. به عبارتی، در پاسخ به این سوال که ضرورت نظری برنامه درسی اسلامی چه چیز نیست، دو جنبه مطرح می‌شود:

➤ ضرورت نظری برنامه درسی اسلامی، به معنای صرف تحقیق و پژوهش نیست. در لابلای این مقاله سعی شد، نوع مواجهه با برنامه درسی تبیین شود. مواجهه عملی صرفاً دست به عملی و اقدامی زدن نیست و مواجهه نظری صرفاً به معنای تحقیق و پژوهش نیست. اما آنچه این دو نوع مواجهه را از هم تمایز می‌بخشد، مکان فعالیت نیست. مثلاً این که مکان

ضرورت دانش برنامه درسی اسلامی: پارادایمی بالقوه میان پارادایم‌های موجود فعالیت نظری در دانشگاه و کتابخانه و مکان فعالیت عملی در مدرسه و میدان است، چنین برداشتی غلط است. آنچه وجه ممیزه این دو نوع مواجهه است، ذهنیت پژوهشگر است. بسیاری از فعالان حوزه برنامه درسی در داخل یا خارج کشور وجه همت خود را بر نگارش مقالات درباره برنامه درسی اسلامی قرار داده‌اند؛ اما مواجهه آنان کاملاً عملی بوده و آنان به سطح نظر ورود نکرده‌اند؛ به این دلیل که برداشت آنان از برنامه درسی اسلامی و همت آنان در نگارش مقالاتشان و کتابهایشان معطوف به عمل برنامه درسی، مثلاً تدوین سندی مکتوب و یا طراحی و تدوین برنامه‌ای درسی بوده است. صرف نگارش مقاله و یا وجود کثرت مقالات در یک حوزه نشان از بسندگی مطالعات نظری در آن حوزه نیست؛ بلکه آنچه مهم است، عمق و نوع مواجهه است. تا وقتی که فعالان عرصه برنامه درسی اسلامی، با نگاه به عمل برنامه درسی در پی طراحی و تدوین برنامه‌های درسی هستند که در حکم مرمت و اصلاح برنامه‌های درسی غربی موجود است، انتظار رشد و نمو این حوزه معقول نخواهد بود؛ چرا که مواجهه نظری، یعنی نفوذ به لایه‌های عمیق معرفت‌شناختی و روش‌شناختی این حوزه.

➤ ضرورت نظری برنامه درسی اسلامی به معنای غفلت از عمل هم نیست. عمل وابسته به نظر است. پرداختن به برنامه درسی به عنوان سند مکتوب و نظام اساساً بدون پرداختن به پایه‌های دانشی ممکن نیست و تصمیم‌گیری‌های عملی نیازمند درکی روشن از خاستگاه فلسفی و تشریح دقیق مبانی است (نجفی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۹۳). به همین دلیل، بسیاری از مطالعات در این زمینه ناکام می‌مانند. این ارتباط، موضوعی است که بسیاری از دیدن آن عاجزند. هیچ تغییری در عمل برنامه درسی و در برنامه درسی به عنوان سند و نظام میسر نیست، مگر با تغییر در بنیادهای نظری. لذا توجه درست و همه‌جانبه به مطالعات نظری در حوزه برنامه درسی اسلامی، مقدمه‌ساز تغییر در عمل و عین توجه به آن است. اگر بناست تدوینی صورت پذیرد، آیا می‌توان بدون تغییر در پایه‌ها و بنیادهای قلمرو تدوین در روبنا تغییری حاصل نمود؟ وقتی دیدگاه‌ها و جهان‌بینی‌هایی که تدوین برنامه درسی مبتنی بر آنها صورت می‌گیرد، غربی باشد، چگونه می‌توان از خروجی آن، علمی اسلامی انتظار داشت؟

پیشنهاد می‌شود در راستای توسعه این ضرورت نظری برنامه درسی اسلامی، به جای تاکید بر عمل برنامه درسی و اقداماتی که ناظر به طراحی، تدوین و اجرای برنامه درسی با صبغه

اسلامی هستند، اساتید، دانشجویان و دغدغه‌مندان این قلمرو، به بنیادهای معرفتی و دانشی این قلمرو توجه کنند چرا که تا شالوده‌های نظری و دانشی درباره برنامه درسی اسلامی توسط جامعه علمی به خوبی ساخته و پرداخته نشود، منطقاً آمیدی به ظهور برنامه درسی اسلامی به معنای عمیق و صحیح آن وجود ندارد. اساتید می‌توانند پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های دانشجویان را در جهت موضوعاتی که به مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی برنامه درسی اسلامی مرتبط هستند نیز هدایت کنند.

منابع

ابوالقاسمی، محمدجواد (۱۳۹۱). اخلاق نقد فرهنگی و فرهنگ نقد اخلاقی، اخلاق زیستی، ۲(۳)، ۱۹۱-۱۵۷.

ادیب منش، مرزبان؛ لیاقتدار، محمدجواد؛ نصر، احمدرضا (۱۳۹۷). تبیین ابعاد و مولفه‌های برنامه درسی معنوی بر اساس منابع و متون مرتبط با آن. تربیت اسلامی، دوره ۱۳، شماره ۲۷: ۸۴-۶۱.

اسدیان، سیروس (۱۳۹۰). بنیادها و راهکارهای اسلامی کردن برنامه درسی رشته برنامه‌ریزی درسی در ایران و ارائه مدلی جهت آن. رساله دکتری، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

امین‌خندقی، مقصود؛ مهدوی‌خواه، علی (۱۳۹۶). بسوی انبساط مفهومی از برنامه درسی اسلامی. فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، ۱۲(۴۶)، ۳۴-۱.

ایمان، محمدتقی؛ کلاته‌ساداتی، احمد (۱۳۹۸). روش‌شناسی علوم انسانی نزد اندیشمندان مسلمان (ارائه مدل روش‌شناختی از علم اسلامی). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

باقری، خسرو (۱۳۸۰). ماهیت و قلمرو تعلیم و تربیت اسلامی. حوزه و دانشگاه، شماره ۲۸. ۳۳-۲۳.

باقری، خسرو؛ سجادیه، نرگس (۱۳۹۰). هدف‌های درس تاریخ بر اساس رویکردی اسلامی در فلسفه

برنامه درسی. پژوهش‌های برنامه درسی، ۱(۱)، ۱۳۸-۱۱۱.

برزیده، حمیرا؛ محمودنیا، علیرضا؛ قانادی، یحیی؛ ضرغامی، سعید (۱۳۹۵). الگوی پیشنهادی برنامه درسی تربیت اجتماعی اسلامی در دوره متوسطه: رویکردی هنجارین. پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۶(۲)، ۱۲۷-۱۰۷.

بهشتی، سعید؛ ملکی، حسن؛ ویسی، غلامرضا (۱۳۹۲). سیاست‌های حاکم بر اهداف آموزشی در معرفت-شناسی استاد مطهری و کاربست آن در نظام جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های سیاست

اسلامی، ۱(۳): ۱۹۶-۱۷۳.

ضرورت دانش برنامه درسی اسلامی: پارادایمی بالقوه میان پارادایم‌های موجود
جمالی زواره، اعظم (۱۳۹۰). بررسی مبانی فلسفی برنامه درسی آموزش ابتدایی با تاکید بر دو رویکرد
رنالیسم اسلامی و پراگماتیسم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.

حسینی، سید حسین (۱۳۹۶). تحلیل الگوی نقد علمی. پژوهش‌های عقلی نوین. ۲(۴)، ۹۷-۱۱۷.

زرقانی، اعظم؛ امین خندقی، مقصود؛ شعبانی ورکی، بختیار؛ موسی‌پور، نعمت‌الله (۱۳۹۵). ارتباط دانش
نظری و عملی معلمان در پارادایم‌های اجرای برنامه درسی. مجله پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و
تربیت، سال ۶، ۱(۱)، ۶۸-۴۶.

سجادی، سیدمهدی؛ برخوردار، رمضان (۱۳۸۳). تبیین و تحلیل جریان اسلامی‌سازی علوم و آثار آن بر
تعلیم و تربیت. نوآوری‌های آموزشی، ۳(۷)، ۷۸-۵۹.

سلطانی‌نژاد، نجمه؛ کشتی‌آرای، نرگس؛ واعظی، سید حسین (۱۳۹۷). دلالت‌های حاکم بر برنامه درسی در
رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی به پدیده جهانی شدن با تاکید بر دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی.
پژوهش در برنامه‌ریزی درسی. ۱۵(۳۰)، پیاپی ۵۷، ۵۶-۴۳.

سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱). وزارت آموزش و پرورش: شورای عالی آموزش
و پرورش.

علم الهدی، جمیله (۱۳۸۱). تبیین تعلیم و تربیت اسلامی و دلالت‌های آن بر برنامه درسی. رساله دکتری،
تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

علوانی، طه جابر (۱۳۸۵). ایده و طرح اسلامی‌سازی معرفت. گردآوری مجید مرادی، قم: پژوهشگاه
حوزه و دانشگاه.

فیاض، ایراندخت (۱۳۸۷). بررسی فراتحلیلی محتوای کتاب‌های درسی در رابطه با ارزش‌های اسلامی
ایرانی. فرهنگ و علم. شماره اول: ۴۱-۱۱.

قاسم‌پور دهاقانی، علی؛ نصر اصفهانی، احمدرضا (۱۳۹۰). رویکرد معنوی و برنامه‌ریزی درسی. پژوهش
در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی. ۱۹(دوره جدید) (۱۳): ۹۲-۷۱.

کشتی‌آرای، نرگس؛ سلطانی‌نژاد، نجمه (۱۳۹۳). اسلامی‌سازی مدارس بر اساس نظریه بازگشت به خود
استاد مطهری. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی. ۱۱(۱۵)، پیاپی ۴۲، ۱-۱۱.

لطیفی، علی (۱۳۹۳). روش‌شناسی نظریه‌پردازی در تربیت اسلامی بر اساس حکمت متعالیه. رساله
دکتری در رشته فلسفه تعلیم و تربیت. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

محسن‌پور، بهرام (۱۳۸۳). ضرورت تدوین نظریه برنامه درسی برای آموزش و پرورش جمهوری اسلامی
ایران. نوآوری‌های آموزشی. ۳(۷)، ۱۱۳-۹۹.



فصلنامه مطالعات برنامه درسی، شماره ۷۳، سال نوزدهم، تابستان ۱۴۰۳

محسن پور، بهرام (۱۳۸۶). تدوین برنامه درسی علوم تجربی با رویکرد دینی: چالشی جدید پیش‌روی برنامه‌ریزان درسی. *تربیت اسلامی*. ۳(۵)، ۱۵۲-۱۳۵.

مرزوقی، رحمت اله (۱۳۹۵). پارادایم‌های علم و نظریه‌های برنامه درسی؛ تحلیلی بر فلسفه و نظریه-پردازی در رشته مطالعات برنامه درسی. تهران: آوای نور.

ملکی، حسن (۱۳۸۵). دیدگاه برنامه درسی فطری- معنوی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. *کنگره ملی علوم انسانی*، تهران.

ملکی، حسن (۱۳۹۸). هویت دینی برنامه درسی. تهران: آبیژ

موحدی محصل طوسی، مرضیه (۱۳۹۱). نتیجه‌محوری در ارزشیابی؛ مانعی در تحقق تربیت اسلامی. *همایش تعلیم و تربیت اسلامی، مبانی، منابع و اصول*، دوره اول.

موسوی‌نسب، سید محمدصادق؛ رزاقی، هادی؛ خطیبی، حسین (۱۳۹۱). نقش اسلامی‌سازی محتوای آموزشی در درونی شدن ارزش‌های اسلامی. *معرفت*، ۲۱(۱۷۹). ۳۰-۱۵.

مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۹). بازشناسی حدود و ثغور موضوعی برنامه درسی به‌عنوان یک حوزه معرفتی. *در: برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها، و چشم‌اندازها*. تهران: سمت.

میرزاخانی، مهدی (۱۳۹۱). ارزش و جایگاه معنویت در قرآن و روایات اسلامی و دلالت‌های برنامه درسی بر مبنای آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

نجفی، حسن؛ ملکی، حسن؛ سبحانی‌نژاد، مهدی؛ مصباح، علی (۱۴۰۰). طراحی الگوی برنامه درسی هویت دینی در دوره اول متوسطه. *فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران*. سال شانزدهم، شماره ۶۱، ۹۲-۵۹.

نجفی، حسن؛ ملکی، حسن؛ سبحانی‌نژاد، مهدی؛ مصباح، علی (۱۴۰۰). هویت دینی و پیش‌بایست‌های طراحی برنامه درسی. *فصلنامه مطالعات ملی*، سال بیست و دوم، شماره ۲، ۲۶-۳.

نجفی، حسن؛ ملکی، حسن؛ سبحانی‌نژاد، مهدی؛ مصباح، علی (۱۴۰۱). مبانی الهیاتی برنامه درسی هویت دینی. *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، سال سی ام، شماره ۵۵، ۲۳۱-۱۹۳.

نجفی، محمد (۱۳۸۶). *الگوی نظری برنامه درسی معنوی در تربیت اسلامی با تاکید بر رویکرد تربیتی محبت اهل بیت (ع)*. رساله دکتری، دانشگاه شیراز.

نقره‌ای، مرتضی؛ امین‌خندقی، مقصود (۱۴۰۲). آیا خدا اینجا حضور دارد؟ پرسش از الهیات در حوزه مطالعات برنامه درسی. *فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران*، سال هفدهم، شماره ۷۰، ۴۰-۱.

ضرورت دانش برنامه درسی اسلامی: پارادایمی بالقوه میان پارادایم‌های موجود

نوذری، محمد (۱۳۹۱). امکان اسلامی‌سازی و بومی‌سازی برنامه درسی رشته علوم تربیتی. **راهبرد فرهنگ**، ۱۹(۵). ۱۳۹-۱۶۸.

ویسی، غلامرضا؛ فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۸۷). نگاهی جدید به برنامه درسی بر اساس انسان‌شناسی اسلامی. **راهبردهای آموزش در علوم پزشکی**، ۱(۲): ۴۹-۶۳.

یوسف‌زاده، محمدرضا؛ جمشیدی، اصغر (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر برنامه درسی اسلامی از دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی دانشگاه‌های تهران. **پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت**، ۲۲(دوره جدید، ۲۲). ۷۹-۶۵.

Adebayo, R. I. (2005). **Islamization of the Curriculum: An Agenda for Model Islamic Nursery Schools in Nigeria**. *Muslim Education Quarterly*, vol. 22, Nos. 3 & 4, 4 – 17.

Adebayo, R.I. (2015). **From Islamicizing the Sciences to Strategizing for** *International Journal of Islamic Thought*. Vol. 7, 25-38.

Adebayo, R. I. (2016). **The Challenges of Islamization of Knowledge in Nigerian Islamic Universities**. *IJUM Journal of Educational Studies*, 4 (1), 78 – 99 .

Amin, R.M., and M.A. Haneef. (2011). **“The Quest for Better Economics Graduates: Reviving the Pluralist Approach in the Case of the** *International Journal of Pluralism and Economics Education* 2, no. 1: 96-113.

Amin, R.M., and M.A. Haneef. (2011). **hhh ssss oo rrrrrrrroooooo ooo Graduates: Reviving the Pluralist Approach in the Case of the** *International Journal of Pluralism and Economics Education* 2, no. 1: 96-113.

Anwar hassan, Hussain (1987). **A suggested Islamic curriculum for American muslim children at elementary school level**. University of Kansas, degree of Doctor of Philosophy.

Dangor. Suleman (2005). **Islamization of Disciplines: Towards an indigenous educational system**. *Educational Philosophy and Theory*, Vol. 37, No. 4

Hafiz Mohammad Ikhlas, M.A. (Islamic Studies) (2005) **A SUCCESS STORY: The Development of Islamic Studies**. Curriculum in South East Asia IQRA International Educational Foundation, Chicago, IL, USA .

Hashim R (2۰۱۳, B) **islamization of human knowledge in theory and practice: achievement, challenges and prospects in IIUM context**. *IIUM journal of educational studies*, 1: 1, 1-12.

- Hashim, R. (1999). **Islamization of the curriculum**. American Journal of Islamic Social Sciences ۱۶.(2). 27-42.
- Ihednma. Augustine Uzoma (2004). **Reconstructing the religious knowledge curriculum in nigeria: a study of inclusive education and pedagogical reform**. A thesis submitted in part-fulfilment for the Degree of Doctor in Education of the University of London.
- Noraini Hashim & Hasan Langgulung (2008). **Islamic Religious Curriculum in Muslim Countries: The Experiences of Indonesia and Malaysia**. Bulletin of Education & Research. Vol. 30, No. 1, pp. 1-19.
- Oladosu.A.G.A.S. (2012). **Islamization of the Curriculum process. at the Seminar on Islamization of Knowledge in the South-West Nigeria**. University of Lagos.
- Pinar, William(1987). **ooo nn cccccccc """""""" Educational researcher 7. (September 1987). Pp. 11.**
- Pinar, williamF. Reynolds , William M. Slattery , patric & Taubman, peter M (1995) **understanding curriculum: An introduction to the study of historical and contemporary curriculum discourses**. Newyork: Peterlang publishing. Inc.
- Rufai, Saheed Ahmad (2016). **The Challenge of Curriculum Integration for Islamic Universities: Setting the Principles of Curriculum Integration**. IIUM journal of educational studies, 4:1 (2016) : 46 – 77.
- Schubert , William H (1986). **Curriculum : perspective, paradigm and possibility**. Macmillan publishing co. new York.
- Sekhar Rao ,V. Chandra (2020). **A Brief Study of Criticism and Its Forms**. JRSP-ELT, Issue 17, Vol. 4.
- Sulaiman, H. (2013). **Integration of Moral Values in School Curriculum to address Corruption in Africa:A case of Tanzania .DIRASAT IFRIQIYYA .**
- Sulaiman, H. (2014). **Values-Based Curriculum Model: A Practical Appli-oooooff aaaaaaamaaa**,Maqasid Al-Sharia' for Wholeness Development of Mankind. Procedia - Social and Behavioral Sciences. 477 – 484.
- Timani, Hussam S(2006). **Islamic Schools in Amer the Future**, .Published by the Forum on Public Policy
- Yaacob.S, Embong.S.R (2008). **The concept of an integrated islamic curriculum and its implication for contemporary Islamic schools**. International Conference in Islamic Republic of Iran on 20-22 Feb 2008.
- Zuhdi, Muhammad (2006) **oo zzzzzzzoo ff oooooonnnnnn curricula**, 1945–2003, International Journal of Inclusive Education, 10:4-5, 415-427.